



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخهء تفسیر توراہ ربای خیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونهء زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توراہ

Shelach Lecha

The Real World

شلخ لخا: دنیای واقعی

رویداد تجسسگران به راستی طی قرن ها تفسیرگران تورات را سرگشته ساخته است. چگونه آن قدر اشتباه کردند؟ آنها گفتند که سرزمین مطابق وعدهء موسی بود: به واقع، سرزمین شیر و عسل روان. اما تسخیر آن ناممکن بود. "مردمی که آنجا زندگی می کنند، نیرومند و شهرهای حصاردار آنان بس عظیم هستند. ما حتی بازماندگان غول ها را در آنجا دیدیم... ما از پس آن مردمان بر نمی آییم، چون از ما بس قویترند... همهء مردمی که دیدیم غول پیکر بودند. آنجا غول ها را دیدیم... ما به چشم خودمان در برابر آنها مانند مَلَخَک ها بودیم و به چشم آنها نیز همین گونه بودیم." اعداد ۲۸-۳۳: ۱۳

آنها از ساکنان سرزمین ترسیدند و به کلی متوجه نشدند که ساکنان نیز از آنان وحشت داشتند. ساکنان سرزمین از بنی اسرائیل در هراس بودند. وقتی یهوشوع یک نسل بعد جاسوسان را به یریکو فرستاد، رحاب روسپی به آنها گفت: "می دانم که خدا این سرزمین را به شما داده است و وحشت بزرگی از شما بر ما سایه افکنده است، طوری که همهء ساکنان این کشور به دلیل ترس از شما ذوب شده اند." وقتی مردم شنیدند که خدا برای بنی اسرائیل چه کرده، "قلب های ما

از ترس آب شدند و به سبب شما شجاعت همگی مان رخت بریست. زیرا خداوند، خدای شما، خدای عرش مافوق و زمین پایین است." (یهوشوع ۱۰-۱۱: ۲)

حقیقت دقیقاً برعکس گزارش تجسسگران بود. ساکنان بیش از آنکه بنی اسرائیل از آنها می ترسیدند، از بنی اسرائیل وحشت داشتند. ما اینرا در وسط داستان بیلعام می شنویم:

اینک بلک پسر زیپور دید همه آنچه بنی اسرائیل با آموری ها کرده بودند و موآب وحشت زده شد، زیرا شمار آنان بسیار بود. به واقع، موآب لبریز از وحشت از بنی اسرائیل بود. "اعداد ۲-۳: ۲۲

پیشتر بنی اسرائیل در ساحل دریای سرخ سرود خوانده بودند: "مردم کنعان ذوب خواهند شد و هراس و دهشت بر آنان سایه خواهد افکند." خروج ۱۵-۱۶: ۱۵

پس چه شد که تجسسگران تا این حد به اشتباه افتادند؟ آیا آنچه دیده بودند را بد فهمیدند؟ آیا ایمان به خدا را کم داشتند؟ آیا به احتمال بیشتر به خودشان ایمان نداشتند؟ یا به سادگی به قول هارامبام [موسی بن مایمون] در راهنمای سرگشتگان [دلالت الحائرین] ترس آنها به سبب گذشته شان ناگزیر بود؟ آنها بیشتر عمر خود را در بردگی گذرانده بودند. به تازگی به آزادی رسیده بودند. آماده جنگ های طولانی برای استقرار خود در سرزمین به عنوان مردمی آزاد نبودند. نسل جدیدی لازم بود که در آزادی به دنیا آمده باشد. انسان ها تغییر می کنند، اما نه به سرعت (راهنمای سرگشتگان جلد سوم، بخش ۳۲)

بیشتر تفسیرگران تورات نتیجه می گیرند که تقصیر تجسسگران این بود که اعصاب یا ایمان آنها کافی نبود، یا هر دو. وگرنه خواندن متن دشوار می شود. اما در ادبیات خسیدیک از بعل شم طوو تاریبی یهودا لایب آلترا اهل گر (شفاط امت) و ربه منخم مندل شنرسون انواع تفسیرهای متفاوت ارائه شدند تا با نوآوری و هیجان، این رویداد را تا امروز قابل بررسی و نیرومند نگه دارند. بنا به تفسیر آنها تجسسگران، نیت خوب داشتند. آنها از هر چیز گذشته "اولزادان، فرماندهان و راهبران" بودند (اعداد ۲-۳: ۱۳). آنان شک نداشتند که اسرائیل می توانست جنگ با ساکنان سرزمین را برنده شود. آنها نه از شکست، بلکه از پیروزی می ترسیدند. مشکل آنها نه فیزیکی، بلکه روحانی بود. آنها نمی خواستند بیابان را ترک کنند. نمی خواستند ملتی بشوند در میان ملل زمین. مایل نبودند رابطه بیمانند خود با خدا در سکوت طنین انداز بیابان و دور از تمدن و ناخشنودی

هایش را ترک کنند [توضیح مترجم فارسی: اینجا ربای ساکس به نام کتابی از زیگموند فروید اشاره غیرمستقیم دارد به نام "تمدن و ناخشنودی هایش"].

اینجا آنها به خدا نزدیک بودند، نزدیکتر از هر نسل بشر تا آن زمان. خدا حضوری محسوس در محراب و در میانه آنها و در ابر جلالی که آنان را دربر می گرفت، داشت. اینجا قوم خدا مانِ آسمان را می خورد و آبِ صخره را می نوشید و روزانه شاهد معجزه بود. تا زمانی که در بیابان زیر سایبان پناه دهنده خدا بودند، نیازی نداشتند به شخم زدن زمین، کاشتن بذر، دروی محصولات، دفاع از کشور، راه اندازی اقتصاد، تأمین رفاه عمومی یا به دوش گرفتن انواع بارهای زندگی دنیوی و مشغولیاتی که ذهن مردم را از خدا دور می کردند. اینجا در سرزمینی بیطرف و در فضایی کوچک، معلق میان گذشته و آینده می توانستند در سادگی و سراسرستی زندگی کنند و اگر از آنجا بیرون می رفتند و وارد جاذبه زندگی مادی دنیا می شدند، نمی توانستند به آن گونه زندگی ادامه دهند. به گونه ای ناسازوار، هرچند که بیابان متضاد با باغ است، اما بیابان، باغ عدنِ بنی اسرائیل بود. آنجا مانند آدم اول پیش از باختن معصومیت خود، به خدا نزدیک بودند.

اگر این مقایسه گویا نیست، به یاد بیاورید هوش و یرمیا را که هر دو دوران بیابان را به ماه عسل تشبیه کردند. هوشع به نقل از خدا گفت: "من اینک می روم که او را بفرییم، به صحرا ببرم و با او سخنان مهرآمیز بگویم." (هوشع ۱۶:۲)، یعنی در آینده خدا قوم را بازمی گرداند تا ماه عسل دوم را جشن بگیرد. یرمیا از قول خدا گفت: "به یاد می آورم وفاداری جوانی ات را که چگونه مانند عروسی جوان مرا دوست داشتی و در صحرا و در زمین های شخم نخورده دنبالم می کردی." (یرمیا ۲:۲). برای هر دو نیمی سال های بیابان زمانی بودند که عشق اول میان خدا و بنی اسرائیل برقرار بود. از این روی، تجسسگران مایل به ترک بیابان نبودند.

به وضوح این تفسیر معنای دقیق روایت نیست، اما نباید آنرا نادیده بگیریم. این یک خوانش روانشناختی و روایت ذهنیت ناخودآگاه تجسسگران بوده است. آنها نمی خواستند صمیمیت و معصومیت کودکی را رها کنند و وارد دنیای بزرگسالان بشوند. گاهی برای والدین سخت است که فرزندان را از خود دور کنند؛ گاهی هم برعکس. اما اگر قرار است فرزندان به بزرگسالانی مسئول تبدیل شوند، باید جدایی اتفاق بیفتند. در نهایت، تجسسگران از آزادی و مسئولیت هایش ترس داشتند.

اما تورات نیز به همین موضوع اختصاص دارد. یهودیت، دین گوشه‌گیریِ راهب وار از دنیا نیست. دینِ تعهد در دنیا است. تورات سرمشقی برای ساختن جامعه‌ای است با تمام جزئیات آن: قوانین جنگ و قوانین رفاه، کاشت و برداشت محصول و دامداری، وام‌ها و مناسبات کارفرما و کارگر. قواعد ملت در سرزمین خود که بخشی از دنیای واقعی سیاست و اقتصاد است همچنان به دنیایی نظر دارد که در آن عدالت، مهر به هم‌نوع و فرد غریب ایده آل‌هایی دوردست اما بخشی از بافت زندگی روزمره هستند. خدا بنی اسرائیل را برگزید تا حضورش در دنیا را قابل دیدن سازند و این یعنی بنی اسرائیل باید در دنیا زیست کنند.

بیشک بنی اسرائیل صحرائشینان و زاهدانی داشته‌اند: فرقه‌های کومران که آنها را از روی تومارهای بحرال‌میت شناخته‌ایم چنین گروه‌هایی بودند. تلمود ربی شیمون بریوحای را نمایندهٔ مشهور این گرایش می‌داند. او که سیزده سال در غار زیسته بود، نمی‌توانست ببیند که مردم مشغول کارهای دنیوی مانند شخم زدن زمین باشند. هارامبام از کسانی می‌گوید که به عنوان زاهدان گوشه‌گیر در صحرا زیست می‌کنند تا از فساد جامعه بگریزند (قوانین شخصیت اخلاقی، ۱:۶؛ هشت خصلت فصل ۴). اما اینها استثناء هستند و نه قاعده. این سرنوشت اسرائیل نیست که خارج از زمان و مکان در خرابات یا صومعه‌ها مانند زاهدان گوشه‌گیر زندگی کند. چنین ترسی از آزادی و مسئولیت‌هایش، دور از قله‌های ایمان است و به قول گرر و ربه لوباویچر، گناه تجسسگران همین بوده است.

در سنت تلمودی صدایی هست که به ربی شیمون بریوحای نسبت داده می‌شود و درگیری با امور دنیوی را در اساس با قله‌های روحانیت در تضاد می‌داند. اما یهودیت جریان اصلی گونه‌ای دیگر می‌اندیشد:

"مطالعهٔ تورات بدون پرداختن به یک شغل، سرانجام شکست می‌خورد و به گناه می‌انجامد" (میشنا، آووت ۲:۲)

"کسی که ذهن خود را به مطالعهٔ تورات مشغول می‌کند، از کار کردن پرهیز نموده با صدقهٔ دیگران زندگی می‌کند، نام خدا را آلوده می‌سازد، به تورات توهین می‌کند، نور دین را تار می‌سازد، شر را به درون خود راه می‌دهد و خویشتن را از دنیای در راه محروم می‌سازد." (هارامبام، قوانین آموزش تورات ۱۰:۳).

تجسسگران نمی خواستند یهودیت را با بردن آن به دنیای واقعی آلوده سازند. آنها کودکی تحت حفاظت خدا و ماه عسل بی پایان عشق فراگیر او را می خواستند. این میل آنها عنصری شریف در خود داشت، اما همچنین شامل بی مسئولیتی عمیقی بود که روحیه قوم را درهم شکست و خشم خدا را برانگیخت.

زیرا کار پروژه یهودیت - یعنی تورات همچون قانون اساسی ملت یهود در زیر سروری خدا- ساختن جامعه ای در سرزمین اسرائیل است که کرامت انسانی و آزادی را آنقدر ارج می نهد تا روزی دنیا بگوید: "بیشک این ملت بزرگ ملتی خردمند و فهیم است" (تثنیه ۴:۶).

کارمایه یهودیت این نیست که از دنیای واقعی بترسد، بلکه این است که وارد آن شود و دگرگونش سازد. این چیزی بود که تجسسگران نفهمیدند. آیا حتی اکنون ما و یهودیان باایمان آنها می فهمیم؟

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved